

من مسعود شوید که غم روزی خوارند مگر از عذاب من نمی
ترسند **بیت** تو غم بخور زین رزق کانت می تو ترا بیا فرید
ضمآن کرده است بداری **قال** رسول الله صلی الله علیه وسلم
ان الرزق یطلب الرجل كما یطلب اجله و چون متوکل را می بینی
آید نفس بدو گوید فعلش مسعود شو گوید ای نفس خاند
تعالی در کتاب قدیم چندین جا فرموده است که من بدانم
کار کسی که بر من اعتماد کند چون دانسته که خدای تعالی سزاوار
القول است کار خود با وی گذارد ایمن باش که او هم تو را
برارد بنویس که خیر تو باشد ای سالک راه حق بدان که خدای تعالی
وحی کرده بدو و الهی علیه السلام که یاد او در هیچ بنده نباشد که
دست در من زند الا که او راه از همه بلاجات دهم

و توکل کلی آن بود که ابراهیم خلیل الله کرده بود علیه السلام خوا
ستند که در آتش اندازند **کفت** حسبی الله و تم الوکیل چون
از کفر منجینت را کردند جبرئیل در وی ما وارد و رسید
و **کفت** ما لک من حاجة قال اما لیک فلا قال من دخل کان
آمن این مقام باشد که اختیار خویش را بر چه شل عرض نکند
قال فاسئل منه قال حسبی من بسولی علیه بحالی چون بقول خود
و فاکو خدای تعالی در حق او این آیه فرستاد و ابراهیم الله
و فی ای سالک راه حق چون توکل را دانستی بر تو باد که تفویض
را بدانی بدان که موردی در مقام تفویض قدم نهد مانند رضی
بود که در دست طیب باشد و او را یقین بود که این مقام
طیب در طب حاذق است و بروی شفقتی صمد دارد